|  |
| --- |
| قل اء ندعوا من دون الله ما لا ينفعنا و لا يضرنا و نرد على اءعقابنا بعد إ ذ هدئنا الله كالذى استهوته الشيطين فى الا رض حيران له اءصحب يدعونه إ لى الهدى ائتنا قل إ ن هدى الله هو الهدى و اءمرنا لنسلم لرب العلمين(71) و اءن اءقيموا الصلوة و اتقوه و هو الذى إ ليه تحشرون(72) |

ترجمه :  
71 - بگو آيا چيزى غير از خدا بخوانيم كه نه سودى به حال ما دارد نه زيانى و (به اين ترتيب ) بازگشت به عقب كنيم بعد از آنكه خداوند ما را هدايت كرده ، همانند كسى كه بر اثر وسوسه هاى شياطين راه را گم كرده و سرگردان مانده ، در حالى كه يارانى هم دارد كه او را به هدايت دعوت مى كنند كه به سوى ما بيا، بگو تنها هدايت خداوند هدايت است و ما دستور داريم كه تسليم پروردگار عالميان باشيم .  
72 - و اينكه نماز را بر پا داريد و از او بپرهيزيد و او است كه به سوى او محشور خواهيد شد  
تفسير:  
اين آيه در برابر اصرارى كه مشركان براى دعوت مسلمانان به كفر و بت پرستى داشتند به پيامبر (صلى اللّه عليه و آله و سلّم ) دستور مى دهد كه با يك دليل دندانشكن به آنها پاسـخ گويد و به صورت يك استفهام انكارى از آنها بپرسد كه آيا شما مى گوئيد ما چيزى را شريك خدا قرار دهيم كه نه سودى به حال ما دارد كه به خاطر سودش به سوى او برويم و نه زيانى دارد كه از زيان او بترسيم ؟! (قل ا ندعوا من دون الله ما لا ينفعنا و لا يضرنا).  
اين جمله در حقيقت اشاره به آن است كه معمولا كارهاى انسان از يكى از دو سرچشمه ناشى مى شود يا به خاطر جلب منفعت است (اعم از اينكه منفعت معنوى يا مادى باشد) و يا به خاطر دفع ضرر است (اعم از اينكه ضرر معنوى يا مادى باشد) چگونه شخصى عاقل كارى انجام ميدهد كه هيچيك از اين دو عامل در آن وجود نداشته باشد؟  
سپس به استدلال ديگرى در برابر مشركان دست مى زند و مى گويد: اگر ما به سوى بت پرستى باز گرديم و پس از هدايت الهى در راه شرك گام نهيم بازگشت به عقب كرده ايم و اين بر خلاف قانون تكامل است كه قانون عمومى عالم حيات ميباشد (و نرد على اعقابنا بعد اذ هدانا الله ).  
و بعد با يك مثال ، مطلب را روشنتر ميسازد و مى گويد بازگشت از توحيد به شرك همانند آن است كه كسى بر اثر وسوسه هاى شيطان (يا غولهاى بيابانى ، به پندار عرب جاهليت كه تصور مى كردند در راهها كمين كرده اند و مسافران را  
به بيراهه ها مى كشانند !) راه مقصد را گم كرده و حيران و سرگردان در بيابان مانده است (كالذى استهوته الشياطين فى الارض حيران ).  
در حالى كه يارانى دارد كه او را به سوى هدايت و شاهراه دعوت مى كنند و فرياد مى زنند به سوى ما بيا ولى آن چنان حيران و سرگردان است كه گوئى سخنان آنان را نمى شنود و يا قادر بر تصميم گرفتن نيست (له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا).  
و در پايان آيه به پيامبر دستور مى دهد كه با صراحت بگويد: هدايت تنها هدايت خدا است و ما ماموريت داريم كه فقط در برابر پروردگار عالميان تسليم شويم (قل ان هدى الله هو الهدى و امرنا لنسلم لرب العالمين ).  
اين جمله در حقيقت دليل ديگرى بر نفى مذهب مشركان است زيرا تنها در برابر كسى بايد تسليم شد كه مالك و آفريدگار و مربى جهان هستى است نه بتها كه هيچ نقشى در ايجاد و اراده اين جهان ندارند.  
سؤ ال :  
در اينجا سؤ الى پيش مى آيد كه مگر پيامبر (صلى اللّه عليه و آله و سلّم ) قبل از بعثت پيرو مذهب مشركان بوده است كه مى گويد: نرد على اعقابنا (آيا به حال سابق باز گرديم ) در حالى كه مى دانيم او هيچگاه در برابر بت سجده نكرد و در هيچ تاريخى چنين چيزى ننوشته اند، اصولا مقام عصمت چنين اجازهاى را نمى دهد.  
پاسـخ :  
اين جمله در حقيقت از زبان جمع مسلمين است ، نه از زبان شخص پيامبر (صلى اللّه عليه و آله و سلّم ) لذا با صيغه و ضمائر جمع ادا شده است .  
در آيه بعد دنباله دعوت الهى را چنين شرح مى دهد كه ما گذشته از توحيد دستور داريم كه نماز را برپا داريد و تقوا را پيشه كنيد (و ان اقيموا الصلاة و اتقوه ).  
و سرانجام با توجه به مساله معاد و اينكه حشر و بازگشت شما به سوى خدا است اين بحث را پايان مى دهد (و هو الذى اليه تحشرون ).  
در حقيقت در اين چند جمله كوتاه برنامهاى كه پيامبر به سوى آن دعوت مى كرده ، و از حكم عقل و فرمان خدا سرچشمه گرفته ، به صورت يك برنامه چهار مادهاى كه آغازش توحيد، و انجامش معاد، و مراحل متوسط آن محكم ساختن پيوندهاى الهى و پرهيز از هر گونه گناه مى باشد ارائه داده شده است .

تفسير مىيريتي

عواقب شراکت بیهوده در سازمان  
پیامبر به امر خدا وبه عنوان سخنگوی خدای تبارک و تعالی ماموریت دارد که به مخالفان بگوید به شکل استفهام انکاری که آیا غیر خدا را که نفعی نمیرساند و ضرری هم ندارد بخوانیم ***قل اء ندعوا من دون الله ما لا ينفعنا و لا يضرنا*** در حالیکه شریک کسی است که باید نفعی برساند یا ضرری را بکاهد طبق محاسبات عقلی والا نیروی خنثی سازمان من وشما را به عقب بر میگرداند و مایه انحطاط میشود ***و نرد على اءعقابنا*** در حالیکه ما بدون چنین شریکی با اتکا به خدا وند وتدابیر ربوبی پیشرفت خوبی کرده ایم وراه یافته ایم به سوی بهتر شدن و بهبود امور . خلاصه این که با وضع موجود در حالتی مطلوب قرار داریم و چیزی کم نداریم مالک و مدبری داریم که ما را به سوی آینده خوب مدیریت میکند من که از سوی او رهبری شما هستم وبا شما و تحت ربوبیت او در حال پیشرفت کامل هستیم حال بیاییم کسی را دخالت دهیم در کاری که نه نفعی میرساند و نه ضرری کم میکند کدام عقل چنین حکمی را میکند که وضعیت رو به جلو وبی نقص را تبدیل کنیم به وضعیت روبه عقب و ارتجاع را پس بهتر است که قید چنین شریکی را بزنیم و ما و شما و خدای واحد بی همتا که مدبری عالی است به جلو برویم و هدایت شویم به سوی آینده روشن و بی نقص یعنی من که رهبرم وشما که پیرو هستید با هم سازمانی کامل تحت هدایت های خدا قرار داریم طبق نقشه او جلو میرویم عقل میگوید با یک شریک بی فائده کار را بدتر نکنیم ***بعد إ ذ هدئنا الله*** آن گاه وضعیت ما مثل کسی میماند که شیاطین و اجانب و دشمنان پیدا وپنهان او را به نابودی دعوت میکنند وبه سقوط و فروپاشی میکشانند و وسوسه میکنند که جز دشمنی کاری ندارند و روی زمین در کمین هستند و ضربه میزنند ***كالذى استهوته الشيطين فى الا رض*** و جز ایجادحیرانی وسرگردانی کاری ندارند و نتیجه ای ندارند ***حيران*** در حالیکه او یارانی سازمانی یافته و همراه دارد که به کمک او هستند و به سمت جلو می برند یک سازمان کامل هستند ***له اءصحب يدعونه إ لى الهدى ائتنا*** اصحاب و یارانی پیشران و پیشرفته بعد بیاید به نیروهای مافیایی و فریبکار دل ببندد که او را به عقب برگردانند . ای پیامبر ما ای منصوب ما که رهبری این جمعیت را به عهده داری به این ها بگو از این قمار سرتاسر باخت دست بکشند وقدر من را که مدبری عالی هستم و هادی به سمت نورم و قدر تو را که فرستاده من و مجری برنامه های آسمانی و متعالی من هستی بدانند وبیخود با دخالت دادن عناصر خنثی کا را بدتر نکنند که جز خسارت و حسرت چیزی ندارند و نمی آورند به آنها صریح بگو ***قل*** بهترین هدایت وبرنامه هدایتی و پیشبرنده و آینده ساز هدایت ربوبی و فعلی است که من وشما را به عنوان تشکیلات و حزب محکم پیش می برد غیر از این به جای هدایت ضلالت و حیرانی وبی برنامگی است قدر این نظام کامل و جامع را بدانیم و نا شکر نباشیم بهترین خدا بهترین رهبر وبهترین برنامه را داریم بهترین هدایت و نقشه راه هدایت ربوبی است ***إ ن هدى الله هو الهدى*** و سازمانی هستیم که ماموریت داریم که تسلیم خدا به عنوان رب اعلی و رب عظیم و مدبر عالی شویم که مدبر همه هستی و عوالم آن است بدون نیاز به شریک کار را هدایت میکند ***و اءمرنا لنسلم لرب العلمين***(71) و ماموریت و تکلیف دیگر ما اقامه نماز است که نمادی از نظم اجتماعی و معنوی است ***و اءن اءقيموا الصلوة*** و از او حساب ببریم و مراقب امر و نهی او باشیم و دست از پا خطا نکنیم ***و اتقوه*** و بدانیم که نهایتا همو ست که به محضر او محشور و حاضر میشویم جمعا و باید پاسخ گو باشیم ***و هو الذى إ ليه تحشرون***(72)

***نتیجه*** : عقلانی نیست که وضع مثبت را بدتر و منفی کنیم با دخالت دادن نیرو هایی و شریک قرار دادن عناصری که بیایند کارا خراب کنند در حالیکه سازمان من وشما با مدبری عالی و هادی به سمت تعالی بی نقص است و کار را جلو میبرد .

تشبیه و تطبیق : نظام جمهوری اسلامی به عنوان سازمانی کلان درای خدایی هدایت گر به سمت تعالی است بهترین رهبری را دارد که نائب امام عصر است و فقیه حامع الشرائط است بهتریم برنانه و قانون اساسی و اسناد بالادستی را دارد که فقیهانه تنظیم شده و اجرا میشود حال غرب و آمریکا میخواهند در این کار شریک شوند و علاوه بر خدا بخواهند بر ما ربوبیت کنند و پیش رفت همه جانبه را به پسرفت بدل کنند قطعا عقلانی نیست بلکه با همین دست فرمان و با همین سیستم حزب الله بدون نیاز به بیگانگان وشیاطین به پیش میرویم این عقلانی است .

برای مطالعه

|  |
| --- |
| و هو الذى خلق السموت و الا رض بالحق و يوم يقول كن فيكون قوله الحق و له الملك يوم ينفخ فى الصور علم الغيب و الشهدة و هو الحكيم الخبير(73) |

ترجمه :  
73 - او كسى است كه آسمانها و زمين را به حق آفريد و آن روز كه به آنها مى گويد موجود باش ، موجود مى شود، سخن او حق است و در آن روز كه در صور دميده مى شود حكومت مخصوص او است ، از پنهان و آشكار با خبر است و حكيم و آگاه مى باشد.